



رهبر معظم انقلاب در دومین نشست اندیشه های راهبردی در جمهوری اسلامی، با موضوع «عدالت» در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ فرمودند:

«در عرصه تفکر و نظریه پردازی، ما احتیاج داریم به تعدد آرا و تضارب آرا. یعنی اینکه ما می‌گوییم به یک نظریه باید برسیم و نظریه ناب اسلامی را کشف کنیم، مبتنی بر یک مقدمات نسبتاً طولانی و گسترده‌ای است؛ که اهم این مقدمات همین است که آرای متفکران تضارب پیدا کند، آرای مختلفی مطرح شود؛ و این لازم است؛ این نشاط علمی است. نباید تصور کرد که ما یک پیش داوری‌ای داریم، یک چیزی را از قبل در نظر گرفته‌ایم و می‌خواهیم حتماً به آن برسیم؛ نه، می‌خواهیم با تضارب آرا بیابیم آنچه را که حق است و آنچه که درست است. بنابراین تضارب آرا لازم است. حد یقف هم ندارد. یعنی بعد از آنکه به نظر نهایی و مختار برای این برهه از زمان رسیدیم، باز احتمال اینکه آرای جدیدی، نظرات جدیدی، نکات تازه‌ای در آینده مطرح شود، هست؛ هیچ مانعی هم ندارد. لیکن به‌رحال نیاز هست به اینکه به یک جمع‌بندی قوی برسیم که بر اساس آن، برنامه‌ریزی‌های درازمدت در کشور صورت بگیرد. بنابراین تضارب آرا لازم است؛ لیکن در نهایت اداره کشور نیاز دارد به اینکه به یک جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل در باب عدالت اجتماعی برسد که بتواند بر اساس آن جمع‌بندی، برنامه‌های بلندمدت را طراحی کند. البته بعد از آنکه به این جمع‌بندی رسیدیم، باز پژوهش‌های تازه‌ای شروع خواهد شد برای اینکه شیوه‌ها را پیدا کنید؛ یعنی پژوهش‌های کاربردی. امروز من ملاحظه کردم که بعضی از بخش‌های مباحث، مربوط به مباحث کاربردی است - بسیار هم خوب است - این دامنه‌اش خیلی وسیع است؛ یعنی بعد از آنکه ما به یک نظریه متقن و جمع‌بندی شده‌ای در باب عدالت رسیدیم، تازه برای پیدا کردن شیوه‌های اجرا و تحقق آن در جامعه، به بحث‌های کاربردی نیاز داریم؛ که این خودش پژوهش‌های فراوانی را دنبال خواهد کرد. آن وقت در اینجا است که ما می‌توانیم از تجربیات بشری استفاده کنیم.»

است. یا بحث رابطه عدالت و آزادی که بسیاری از نظام‌ها به‌ویژه نظام‌های خودکامه به بهانه ایجاد عدالت، آزادی شهروندان را نادیده می‌انگارند، در حالی که آزادی سهم مهمی از حقوق را در خود دارد. مفهوم مرکزی عدالت، احقاق حق و برپایی حقوق و استیفای آن است، مگر می‌توان برای احقاق حقوق و عدالت، آزادی را نادیده گرفت. نکته دیگر آن است که جامعه اسلامی امروزه بیش از هر زمان به ارائه معیارها، راهبردها و راهکارهای عدالت نیاز دارد. همان‌گونه که بیان شد، به بیان کتاب، معنایی ارتكازی و اولیه از عدالت در ذهن همگان وجود دارد و آن را می‌پذیرند، اما برای آنکه جامعه بتواند عدالت را به شایستگی مطالبه کند و راه و بی‌راه را بشناسد، نیاز دارد تا معیارهای آن را بفهمد و بر اساس آن راه پوید. همچنین برای آنکه قانون‌گذاران، مدیران و کارگزاران بتوانند در مسیر عدالت گام بردارند، به راهبردها و راهکارهای عدالت برگرفته از عقل و نقل و تجربه بشری نیاز دارند تا با ریل‌گذاری درست و مسیرسازی شایسته در قانون و برنامه‌ها آن را عملیاتی کنند. در کنار بحث چیستی و چرایی عدالت باید به شاخص‌های عدالت اجتماعی در عرصه‌های مختلف پرداخت تا مدیران و تصمیم‌سازان در روند فرایندی معقول و منطقی به طراحی برنامه‌ها و قوانین بپردازند و در فراگردی آسیب‌شناختی، بسترهای سنجدیده رسیدن به عدالت اجتماعی را فراهم آورند. امید است که نویسنده کتاب در آثار بعدی به این نیاز توجه کند. ▶